

استقرار حاکمیت شرکتی در موسسات مالی ایران (مطالعه موردی: بانک A)

حمیدرضا کردلویی

دکترای مدیریت مالی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین المللی قشم (نویسنده مسئول و طرف مکاتبات)
hamidreza.kordlouie@gmail.com

المیرا محمودزاده

دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
e.mahmoodzadeh@yahoo.com

داود جدیدالاسلامی

دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر
davoud.eslami64@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۳ تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۵

چکیده

حاکمیت شرکتی یکی از مسایل بسیار حائز اهمیت در نهادهای پولی و مالی است؛ به نحوی که ضعف و توجه ناکافی به حاکمیت شرکتی صحیح در بانکها به عنوان یکی از علل اساسی بحران مالی سالهای ۲۰۰۷-۲۰۰۸ شناخته شده است. حاکمیت شرکتی به مجموعه روابطی اطلاق می شود که میان ذی نفعان یک سازمان وجود داشته و بر نحوه اداره و نظارت بر آن تاثیر می گذارد. در این تحقیق به منظور تدوین برنامه استراتژیک، به بررسی میزان استقرار حاکمیت شرکتی در بانک A در دو بعد توان و جذابیت، در قالب جذابیت بازار بانکی در وضعیت حال با وضعیت آتی، و توان رقابتی بانک در موقعیت موجود با موقعیت مطلوب مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر شکاف معنادار شاخصها در میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی بر اساس تهدیدها و فرصت های رقابتی بانکی در دو موقعیت حال و آتی، و ضعفها و قوت بانک برای دو موقعیت موجود و مطلوب است. در جهت نیل به اهداف تحقیق و تفسیر شکاف موجود در میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی با توجه به یافته های تحقیق پیشنهاد های کاربردی ارائه گردید.

واژه های کلیدی: حاکمیت شرکتی، مسئولیت پاسخگویی، بحران مالی، بانکداری اسلامی.

۱- مقدمه

به دنبال تشکیل شرکت‌های بزرگ و طرح موضوعاتی مهم در رابطه با نحوه اداره آنها، مسائل مربوط به تفکیک مالکیت از مدیریت در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم در سطح جهانی مطرح شد. موضوع حاکمیت شرکتی به شکل کنونی، ابتدا در دهه ۱۹۹۰ در انگلستان، آمریکا و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از عدم اثربخشی هیات مدیره در عملکرد شرکت‌های بزرگ مطرح شد. بعد از بحران آسیا در سال ۱۹۹۷، نگاه‌ها برای نخستین بار معطوف به حاکمیت شرکتی در بانک‌ها شد. به طوری که بانک‌ها و موسسات مالی سراسر جهان - یکی پس از دیگری - به اهمیت بالای حاکمیت شرکتی پی‌بردند و بر اجرای اصول حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تاکید کردند. در این راستا، کمیته نظارتی بانکی بال اولین نسخه دستورالعمل «ارتقای حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی» را در سال ۱۹۹۹ تدوین کرد که پایه و اساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ و همچنین نسخه اصلاح شده این دستورالعمل در سال ۲۰۰۶ شد. هیات خدمات مالی اسلامی نیز در سال ۲۰۰۶ اقدام به تدوین اصول حاکمیت شرکتی خاص موسسات مالی اسلامی نمود. بعد از شروع بحران مالی جهانی در تابستان ۲۰۰۷، سازمان OECD نخستین سازمانی بود که در این راستا گام برداشت و گروه راهبری حاکمیت شرکتی را تشکیل داد تا موضوع حاکمیت شرکتی در بانک‌ها را با تاکید بر چهار حوزه جبران خدمات، مدیریت ریسک، نقش و وظایف هیات مدیره و رعایت حقوق سهامداران مورد بررسی قرار دهد. در تمامی گزارش‌ها و مقاله‌های منتشر شده بر اهمیت بالای حاکمیت شرکتی در بانک‌ها تاکید شده و به حاکمیت شرکتی نادرست به عنوان یکی از علل اصلی بحران اشاره شده است.

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت‌ها و بانک‌ها مهم - ترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می شود. مطالعات انجام گرفته نشان داده که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن علاوه بر کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم داخلی و خارجی و افزایش

مخارج دولت، رشد اقتصادی نیز کاهش پیدا کرده است. ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمام ذی‌نفعان شود باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود. اگر ذی‌نفعان از عملکرد بانک رضایت نداشته باشند، اعتماد ذی‌نفعان به این سیستم از بین رفته و در نهایت رشد نامطلوبی را در بخش مالی و کل اقتصاد شاهد خواهیم بود. تشدید تعارض منافع منجر به بروز مشکلات بسیاری می‌شود و این در حالی است که در بانکداری مرسوم، تعارض منافع معمولاً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می‌شود. اما در بانکداری اسلامی بعد مهم دیگر بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهامداران و مالکان است بنابراین باید به دنبال راه حل مطلوبی جهت تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری اسلامی بود تا ضمن حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران بتوان بانکداری بدون ربا را نیز دنبال کرد.

در حال حاضر بانک A در شرایط خاصی قرار دارد. از یک طرف یک بانک دولتی به سوی خصوصی شدن است، از این بابت تحول سازمانی در تمام جنبه‌های سازمانی اجتناب ناپذیر است. از طرف دیگر، رویکرد جامع و یکپارچه در برنامه‌ریزی استراتژیک تاکنون در بانک تدوین نشده است و انجام آن نیازمند بررسی و مطالعه در مباحث گوناگون سازمانی است. تحقیق حاضر کلیه حوزه‌های ستادی و صفی (عملیاتی) بانک را شامل می‌شود. این تحقیق با رویکرد تحول استراتژیک و با هدف تدوین برنامه‌های بهبود برای تحقق استراتژی‌های بانک دنبال می‌شود.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه تحقیق

۲-۱- مفاهیم حاکمیت شرکتی^۱

بررسی واژه حاکمیت بعنوان یک مفهوم کلی می‌تواند به تعیین مختصات و جایگاه هیات مدیره در شرکت، چگونگی تعامل و ارتباط آنها با دیگر عناصر کلیدی حاکمیت (همچون سهامداران، مدیر عامل، ذینفعان و...) و همچنین تشریح اهمیت آنها در نظریات مطرح حاکمیت منجر گردد. از اینرو به منظور کسب اطلاعاتی کلی از نقش هیات‌مدیره در فعالیت‌ها و

مناسبات شرکت، موقعیت آنها در تدوین رسالت و چشم-انداز شرکت، تسهیل فرآیند نیل به اهداف و همچنین درک نقش کانونی هیات مدیره به عنوان یکی از ارکان اصلی حاکمیت در سیاست‌گذاری‌های کلان و استراتژیک، توجه به مبحث حاکمیت در شرکت‌ها ضروری می‌باشد.

مبانی و مفاهیم اولیه حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کادبری^۱ در انگلستان، مقررات هیات مدیره در شرکت جنرال موتورز امریکا شکل گرفت. بعد از آن به دلیل بحران‌های مالی بوجود آمده در بورس‌های جهان و گسترش سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی، نهادهای مختلفی همچون بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۲ در این زمینه فعال شده و اصول متعدد و متنوعی را منتشر کرده‌اند (اندرسون و همکاران^۳، ۲۰۰۷).

۲-۲- تعریف حاکمیت شرکتی

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که هیچ تعریف مورد توافقی در مورد حاکمیت شرکتی وجود ندارد. تعریف‌های موجود از حاکمیت شرکتی در دو طیف قرار می‌گیرد. در دیدگاه‌های محدود، حاکمیت شرکتی به رابطه شرکت و سهامداران محدود می‌شود. این، الگوی قدیمی است که در قالب نظریه نمایندگی بیان می‌شود. در دیدگاه جامع، حاکمیت شرکتی را می‌توان به صورت شبکه‌ای از روابط در نظر گرفت که نه تنها میان شرکت و مالکان آنها (سهامداران) بلکه میان شرکت و تعداد زیادی از ذی‌نفعان از جمله کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و... وجود دارد. چنین دیدگاهی در قالب نظریه ذینفعان دیده می‌شود (یحیی حساس یگانه، ۱۳۸۵).

واژه حاکمیت شرکتی، معنای لغوی ساختاردهی و کنترل شرکت‌ها را با خود به همراه دارد (سیلادی^۵، ۲۰۰۶). تعاریف مرتبط با حاکمیت شرکت عمدتاً معرف علائق و نگرش کسانی است که ارزش‌های فکری آنان به معانی حاکمیت شرکت جهت داده است. کرافورد^۶ (۲۰۰۷) حاکمیت شرکت را مجموعه‌ای از فرآیندها، قواعد، سیاست‌ها و قوانینی می‌داند که بر

نحوه رهبری، اداره و کنترل شرکت تاثیرگذار است. حاکمیت شرکت را همچنین فرآیند استفاده از قدرت شرکت و چگونگی کنترل آن در برخورد با مسایل شرکتی و یا فرا شرکتی تعریف نموده‌اند (هیوز^۷، ۲۰۰۸).

رابرتمانگر و نل مینو^۸ (۱۹۹۵)، دو صاحب‌نظری که پژوهش‌های متعدد و گسترده‌ای در مورد حاکمیت شرکتی انجام داده‌اند حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده‌اند: «ابزاری که هر اجتماع به وسیله آن جهت حرکت شرکت را تعیین می‌کند و یا به عبارت دیگر، حاکمیت شرکتی عبارت است از روابط میان گروه‌های مختلف در تعیین جهت‌گیری و عملکرد شرکت. گروه-های اصلی عبارتند از: سهامداران، مدیرعامل و هیات مدیره. سایر گروه‌ها، شامل کارکنان، مشتریان، فروشندگان، اعتباردهندگان و اجتماع».

پارکینسون^۹ (۱۹۹۵)، حاکمیت شرکتی را فرایند نظارت و کنترل برای تضمین عملکرد مدیر شرکت مطابق با منافع سهامداران می‌داند.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی حاکمیت شرکتی را به صورت زیر تعریف می‌کند:

مجموعه روابطی است که میان مدیریت، هیات مدیره، سهامداران و دیگر اشخاص ذینفع یک شرکت وجود دارد. همچنین حاکمیت شرکتی، تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن، اهداف شرکت تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود. حاکمیت شرکتی خوب، می‌بایست مشوق‌های مناسبی را برای هیات مدیره و مدیریت فراهم آورد تا آنها به پیگیری اهدافی بپردازند که در راستای منافع شرکت و سهامداران بوده و نظارت موثری را ممکن می‌سازد.

فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۹ (IFAC) در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را اینگونه تعریف نموده است: «حاکمیت شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) عبارت است از تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیات مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر راهبردی که متضمن دستیابی به اهداف، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است».

« قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و نظام‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود» (رهنمای رودپشتی و صالحی، ۱۳۸۹).

۲-۳- ساختار حاکمیت شرکتی

ساختار حاکمیت شرکتی را می‌توان به دو نوع درون سازمانی و برون سازمانی طبقه‌بندی نمود که هر یک دارای سازوکارهای خاص خود می‌باشند.

حاکمیت درون سازمانی^{۱۷} (آلمانی-ژاپنی)، سیستمی است که در آن شرکت‌های فهرست‌بندی شده یک کشور تحت مالکیت تعداد کمی از سهامداران اصلی هستند. سازوکارهای حاکمیت درون سازمانی (محاطی) عبارت است از:

هیات مدیره، مدیران اجرایی، کنترل داخلی و اخلاق سازمانی

حاکمیت شرکتی برون سازمانی^{۱۸} (آنگلو-آمریکایی)^{۱۹}، به سیستم‌های تامین مالی و حاکمیت شرکتی اشاره دارد که در آن، شرکت‌های بزرگ توسط مدیران کنترل می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی یا سهامداران خصوصی قرار دارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از کنترل (مدیریت) می‌شود. سازوکارهای حاکمیت برون سازمانی (محیطی) شامل موارد زیر است:

نظارت قانونی، رژیم حقوقی، کارایی بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، نقش سرمایه‌گذاران نهادی، نظارت سهامداران اقلیت، الزامی کردن حسابرسی مستقل و فعالیت موسسات رتبه‌بندی

۲-۴- اهمیت حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری

یکی از دلایل مطرح شدن حاکمیت شرکتی، ازدیاد جرایم و بحران‌های مالی در سطح جهانی می‌باشد. لذا هدف از اعمال حاکمیت شرکتی اطمینان یافتن از وجود چارچوبی است که توازن مناسبی بین آزادی عمل مدیریت، پاسخگویی و منافع ذینفعان مختلف را فراهم آورد.

از دیدگاه جیل سولمون و آریس سولمون^{۲۰} (۲۰۰۴)، حاکمیت شرکتی سیستمی است که هم سیستم‌های داخلی و هم شرکت‌های خارجی را کنترل و هماهنگ می‌نماید تا از ایفای مسئولیت شرکت‌ها در قبال سهامدارانشان و همچنین مسئولیت اجتماعی که برای انجام همه فعالیت‌های بازرگانی در جامعه دارند اطمینان حاصل کنند.

فیانا و گرانٹ^{۲۱} (۲۰۰۵)، توضیح می‌دهد که حاکمیت شرکتی خوب به پیوند فاصله بین منافع موجود و همسویی آن در یک شرکت، از طریق افزایش اعتماد سرمایه‌گذار و کاهش هزینه سرمایه شرکت کمک می‌کند به علاوه، همچنین بیان می‌کنند که این وضعیت، در جهت اطمینان از ایفای تعهد شرکت، تعهدات قانونی‌اش و شکل‌های مختلف ایجاد ارزش مرتبط با ذی‌نفعان، کمک می‌کنند (تقی پوریان و خلیل‌پور، ۱۳۸۸)

ولف سون^{۲۲} رئیس پیشین بانک جهانی در سال ۲۰۰۰ گفته است: «حاکمیت شرکتی درصدد ارتقای انصاف، شفافیت و پاسخگویی در شرکت است». بررسی تعریف‌ها و مفاهیم حاکمیت شرکتی و مرور دیدگاه‌های صاحب‌نظران، حکایت از آن دارد که:

- حاکمیت شرکتی یک مفهوم بین رشته‌ای است،
- تعاریف به تدریج از سطوح محدود و متمرکز بر حقوق سهامداران به سطوح گسترده‌تر مبتنی بر مسئولیت و پاسخگویی به همه ذینفعان و نسل‌های آینده تغییر یافته است.
- هدف نهایی حاکمیت شرکتی دستیابی به چهار مورد ذیل است:

۱. پاسخگویی^{۲۳}،

۲. شفافیت^{۲۴}،

۳. عدالت (انصاف)^{۲۵} و

۴. رعایت حقوق ذینفعان (مسئولیت‌پذیری)^{۲۶}.

با مرور تعریف‌های یاد شده و تحلیل آنها می‌توان تعریف جامع و کامل زیر را از حاکمیت شرکتی ارائه کرد:

بحران مالی سال های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ شرق آسیا که بازارهای مالی و اقتصادی کشورهای عمده آسیایی را دربرگرفت، به عقیده بسیاری از تحلیل گران، متأثر از ضعف حاکمیت شرکتی به عنوان یک عامل اصلی در میان شرکت ها و موسسات پولی و مالی بود. در آن بحران، ریسک سیستماتیک و مخاطرات زمانی تشدید شد و باعث شد بانک ها تحت تاثیر تحولات سیاسی قرار گرفته و ضعف مشهود در مدیریت، عدم پاسخگویی و مسئولیت پذیری هیات مدیره و مدیریت ارشد، سبب شد این نهادهای پولی بر گسترش بحران بیافزایند. در نتیجه هزینه های حاکمیت شرکتی غلط موجب افزایش بحران مالی شد.

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت ها و از جمله بانک ها، مهمترین ابزار جلوگیری از فساد محسوب می شود. مطالعات صورت گرفته نشان می دهد که با ضعف حاکمیت شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن علاوه بر کاهش سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی و افزایش مخارج دولت، رشد اقتصادی نیز کاهش پیدا کرده است (آدامز و مهران^{۲۰}، ۲۰۰۳). با توجه به مطالب یاد شده، دلایل اهمیت استقرار حاکمیت شرکتی در بانک ها عبارتند از:

- بانک ها دارای یک موقعیت مهم برای توسعه سیستم های مالی اقتصادی هستند.
- بانک ها مولد مهم رشد اقتصادی هستند.
- بانک ها معمولاً مهمترین منبع مالی شرکت ها هستند.

بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، سیستم های بانکداری خود را خصوصی سازی کرده اند. در نتیجه مدیران بانک ها آزادی عمل بیشتری بدست آورده اند (ترنر و آرون^{۲۱}، ۲۰۰۴).

۲-۵- آثار حاکمیت شرکتی خوب در توسعه بخش مالی و بانکداری

امروزه حاکمیت شرکتی به عنوان ابزاری قدرتمند برای جلب اعتماد و اطمینان مردم به سازمان ها قلمداد می شود. ذی نفعان و قانون گذاران نیز بیش از پیش به مساله حاکمیت شرکتی خوب به عنوان ابزاری مهم در

حفظ ثبات نظام مالی روی آورده اند. حاکمیت شرکتی خوب نقش مهمی در توسعه بخش مالی ایفا می کند، از جمله:

- (۱) ارتقای نظام نظارتی و مقرراتی برای ایجاد بازارهای مالی آرام و منظم.
- (۲) بهبود زیرساخت های سازمانی که شامل قوانین استاندارد، استانداردهای هماهنگ حسابداری و نظام موثر پرداخت است.
- (۳) افزایش نظم بازار، نظارت و حاکمیت شرکتی مانند شفافیت و ارایه اطلاعات کافی به عموم مردم.
- (۴) رسیدن به حداکثر سودآوری و کارایی و حداقل فساد و سوءاستفاده از قدرت و فراهم کردن نظام پاسخگویی مدیریتی.
- (۵) کاهش آسیب پذیری بازارهای نوظهور در برابر بحران های مالی، تقویت حقوق مالکیتی، کاهش هزینه مبادلات و هزینه سرمایه و سرانجام توسعه بازار سرمایه.
- (۶) افزایش ارزش افزوده اقتصادی موسسات، دست یافتن به سودآوری بیشتر و احتمال پایین تر شکست های مالی نظام یافته.
- (۷) مدیریت موثرتر ریسک های بانکی با توجه به ارتباط آن با ساختار حاکمیتی بانک ها.

۲-۶- استانداردهای حاکمیت شرکتی

پیش از بحران، کمیته بال اصول هشت گانه ای را برای حاکمیت شرکتی در بانک ها تدوین کرده بود که این اصول در سال ۲۰۱۰ بعد از بحران مالی جهانی مورد بازنگری قرار گرفته و به ۱۴ اصل افزایش پیدا کرده است. برخی از مهم ترین موارد مطرح شده در این اصول ۱۴ گانه به شرح زیر است:

تعیین مسوولیت های اعضای هیات مدیره بانک ها در جهت اجرای حاکمیت شرکتی صحیح در بانک ها، از جمله تدوین فرآیندهای حاکمیتی شرکتی و تعریف ابزارهایی برای حصول اطمینان از اجرای صحیح فرآیندها؛ ایجاد یک نظام موثر پایش داخلی و واحد مدیریت ریسک در بانک ها با تفویض اختیارات کافی و

استقلال لازم جهت شناسایی و ارزیابی مستمر انواع ریسک‌ها؛ برقراری نظام مناسب جبران خدمات کارکنان در راستای کاهش انواع ریسک‌ها و ارایه اطلاعات شفاف به ذی‌نفعان از جمله سهامداران.

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۰۴ دستورالعملی برای حاکمیت شرکتی را تدوین و آن را در سال ۲۰۰۶ مورد بازنگری قرارداد. اصول حاکمیت شرکتی از دید سازمان توسعه و همکاری اقتصادی عبارت است از:

اطمینان از مبنایی برای چارچوب حاکمیت شرکتی موثر (کارآمد)، حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی ماکیت، رفتار یکسان با سهامداران، نقش ذینفعان در حاکمیت شرکتی، افشا و شفافیت، و مسئولیت‌پذیری هیات مدیره.

همچنین با توجه به ماهیت فعالیت بانک‌های اسلامی نسبت به بانک‌های متعارف، هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB)^{۲۲} نیز اصولی را که عمده‌ترین منبعت از اصول بالا بوده، در سال ۲۰۰۶ منتشر کرد. بی‌گمان در برخی موارد تفاوت‌هایی نیز وجود داشته که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- موسسات خدمات مالی اسلامی باید سازوکار مناسبی برای استخراج برای قوانین از منابع شریعت اسلامی و به کارگیری فتوای فقها و نظارت بر اجرای قوانین شریعت اسلامی در تمام جنبه‌ها و فعالیت‌های خدمات مالی به کار گیرند.

- موسسات خدمات مالی اسلامی باید حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری را از طریق نظارت آنها بر عملکرد سرمایه‌گذاری‌هایشان و مخاطره‌های مرتبط به رسمیت بشناسد و شرایط مناسبی فراهم کنند تا نسبت به رعایت حقوق آنها اطمینان حاصل شود.

- موسسات خدمات مالی اسلامی باید نسبت به ارایه گزارش اطلاعات مالی و غیرمالی، که مطابق با اصول استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده حسابداری و منطبق با قوانین و مقررات شریعت اسلامی باشد، اطمینان حاصل کند و اینکه این گزارش‌ها در صنعت

خدمات مالی اسلامی قابل اجرا و توسط مقامات نظارتی بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی شناخته شده است. - موسسات خدمات مالی اسلامی باید راهبرد سرمایه‌گذاری صحیحی را دنبال کنند که تعادل مناسبی میان ریسک و بازده مورد انتظار برقرار شود و برنامه شفاف در مورد هموارسازی بازده‌های حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها (سود) داشته باشند.

- هیات‌مدیره باید یک کمیته حاکمیت شرکتی متشکل از حداقل سه نفر تشکیل دهد که وظیفه آن نظارت بر اجرای چارچوب حاکمیت شرکتی با همکاری مدیریت، کمیته حسابرسی و هیات نظارت بر شریعت اسلامی و ارایه گزارش‌ها و توصیه‌هایی به هیات‌مدیره در خصوص اجرای فعالیت‌هاست.

- کمیته حاکمیت شرکتی موسسه خدمات مالی اسلامی باید مسئولیت حفاظت از حقوق دارندگان سپرده‌های سرمایه‌گذاری و اطمینان خاطر از افشای اطلاعات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های وجوه به شیوه موثر و اجرای صحیح قراردادهای سرمایه‌گذاری را برعهده داشته باشد.

۲-۷- نقش حاکمیت شرکتی در نظام بانکداری اسلامی

بانکداری اسلامی که از مهم‌ترین اهداف آن، حفظ اصول شریعت اسلامی است با چالش‌های توسعه بین‌المللی مواجه است. در عین حال مباحث مطرح شده در زمینه حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری عمده‌ترین مربوط به نظام بانکداری مرسوم (غیراسلامی) است. با وجود رشد سریع بانک‌های اسلامی از اواسط دهه ۱۹۷۰ و افزایش حضور آنها در بازارهای مالی جهانی، مباحث اندکی در زمینه تقویت حاکمیت شرکتی در بانکداری اسلامی مطرح شده است اما تحلیلگران بانکداری اسلامی، درصدد تطبیق حاکمیت شرکتی رایج در بانکداری مرسوم با الگوی شریعت اسلامی برآمده اند (گارانال^{۲۳}، ۲۰۰۵).

در بانکداری اسلامی به لحاظ شرعی نبودن پرداخت بهره، مدل‌های مورد استفاده در بانکداری مرسوم کارایی ندارد و لزوم حفاظت از منافع ذینفعان کاملاً احساس

- اجرای دقیق قانون عملیات بانکب بدون ربا و بکارگیری الگوی تلفیقی حاکمیت شرکتی IFSB و BIS^{۲۴}

در مجموع شاید بتوان گفت اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه IFSB و BIS بیشتر با قوانین فعلی عملیات بانکی بدون ربا و قانون پولی و بانکی کشور مطابقت می‌کند. بنابراین ممکن است اجرای این اصول در صورت رعایت دقیق قوانین یاد شده کارایی داشته باشد.

۳- فرضیه‌های تحقیق

در این تحقیق، نتایج حاصل از پیش بینی وضعیت حاکمیت شرکتی در بانک A در دو بعد توان و جذابیت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. تعیین و پیش بینی مقادیر، در قالب جذابیت بازار بانکی در وضعیت حال با وضعیت آتی، و توان رقابتی بانک در موقعیت موجود با موقعیت مطلوب مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنابراین فرضیه-های تحقیق به شرح زیر است:

- بین جذابیت بازار بانکی در وضعیت حال با وضعیت آتی شکاف معناداری وجود دارد.
- بین توان رقابتی بانک در موقعیت موجود با موقعیت مطلوب شکاف معناداری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است. زیرا این تحقیق به دنبال حل مشکل خاصی در بانک A می‌باشد. مشکل محوری در این تحقیق، تدوین ابزار گردآوری مناسب و سنجش حاکمیت شرکتی در وضعیت‌های موجود و مطلوب و شکاف بین این دو است. از نظر جمع آوری اطلاعات و داده‌ها یک تحقیق توصیفی، تحلیلی است. زیرا در طول تحقیق ضمن توصیف متغیرهای مورد نظر با استفاده از جداول و شاخص‌های آماری، به تحلیل و آزمون آماری آنها نیز پرداخته خواهد شد.

جامعه آماری این تحقیق در برگزیده خبرگان صاحب نظران بانک آشنا با موضوع و یا افراد و سازمان-هایی که ذینفعان بانک A را تشکیل می‌دهند. (برای مثال: هیات مدیره، اعضای کمیته های تخصصی،

می شود. ایجاد استانداردها و محدودیت‌های هدفمند جهت هدایت و کنترل بانک‌های اسلامی به شیوه‌ای که بتواند حافظ منافع تمام ذینفعان شود باعث کاهش هزینه‌ها می‌شود و موضوع هزینه‌ها خود یک مبحث بسیار مهم در حاکمیت شرکتی است. تشدید تعارض منافع منجر به بروز مشکلات بسیاری می‌شود و این در حالی است که در بانکداری مرسوم، تعارض منافع معمولاً بین سهامداران و مدیریت ایجاد می‌شود. اما در بانکداری اسلامی بعد مهم دیگر بروز تعارض در منافع سپرده‌گذاران با سهامداران و مالکان است بنابراین باید به دنبال راه حل مطلوبی جهت تقویت حاکمیت شرکتی در سیستم بانکداری اسلامی بود تا ضمن حفاظت از منافع سرمایه‌گذاران بتوان بانکداری بدون ربا را نیز دنبال کرد (محمد روشندل، ۱۳۸۷).

۲-۸- الگوی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم

بانکداری ایران

از آنجایی که سیستم بانکداری ایران بر پایه دو قانون پولی و بانکی و قانون عملیات بانکی بدون ربا بنا نهاده شده است، می‌بایست الگوهای پیشنهادی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم بانکی مطابق با آنها باشد. الگوهای رایج حاکمیت شرکتی در بانکداری مرسوم جهانی، که بر اساس نظام دریافت و پرداخت بهره استوار است، مورد قبول جوامع اسلامی از جمله ایران نمی‌باشد. لذا الگو برداری از حاکمیت شرکتی، نظیر آنچه در کشورهای غربی مرسوم است و تفاوت ماهوی با سیستم بانکداری اسلامی دارد، مطرود و کارآیی چندانی در برنخواهد داشت. بر همین اساس، دو الگوی پیشنهادی حاکمیت شرکتی موثر در سیستم بانکداری ایران بر اساس اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و دیدگاه برخی از صاحب‌نظران که مغایرتی با قوانین شرع اسلام ندارد و نیز اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه هیات خدمات مالی اسلامی و بانک تسویه بین المللی مورد استفاده قرار می‌گیرد (بهرامی و امین آزاد، ۱۳۸۷).

- تاسیس بانک سرمایه‌گذاری متقابل و بکارگیری الگوی حاکمیت شرکتی

مدیران اجرایی، سهامداران و نمایندگان مراکز نظارتی) در سطح استان تهران می‌باشد.

در تحقیق حاضر به دلیل تعدد متغیرهای کلیدی مثل سطح تحصیلات، سطح سازمانی و سابقه کار وعدم دسترس به شاخص‌های آماری در جامعه مورد نظر نمی‌توان به راحتی متغیری را انتخاب نمود. به دلیل مشکلات فوق، در این تحقیق حجم نمونه بدون توجه به محاسبات آماری و با تکیه به شرایط تحقیق تعداد ۱۰۰ متغیر در نظر گرفته شده است. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده است. حوزه تخصصی خبرگان و حوزه سازمانی ذی‌نفعان به عنوان طبقات در نظر گرفته شده‌اند.

اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع تحقیق شامل اطلاعات مربوط به مبانی نظری، پیشینه و سوابق تحقیق مرتبط با موضوع با استفاده از روش اسنادی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای از قبیل پایان‌نامه‌های دانشجویی، مقالات و نیز از طریق مطالب اینترنتی و مراجعه به مراکز علمی و دانشگاهی بدست آمده است. اطلاعات مورد نیاز به منظور بررسی و آزمون و پاسخ به سوالات تحقیق، از طریق پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرت جمع‌آوری می‌شود.

برای افزایش اعتبار درونی پرسشنامه از گروه خبرگان و کارشناسان بانک استفاده می‌گردد. نمونه مقدماتی برای این کار انتخاب گشته و سپس نظرات اصلاحی آن‌ها در مورد هر سؤال و ساختار کلی پرسشنامه اخذ می‌گردد و در نهایت پس از اعمال چنین نقطه نظراتی، پرسشنامه نهایی تهیه می‌شود. در نتیجه می‌توان ادعا نمود که وسیله اندازه‌گیری دارای اعتبار است. با توجه به اینکه برای بررسی اعتبار بیرونی پرسشنامه از روش دو نیمه کردن استفاده می‌شود. بدین ترتیب، یک نمونه مقدماتی ۳۰ تایی به تعدادی از پاسخ‌گویان داده می‌شود، سپس با استفاده از آزمون آماری پاسخ‌ها بصورت تصادفی به دو نیمه تقسیم شده و شاخص معروف آلفا کرونباخ برای آنها محاسبه خواهد شد، بنابراین از این دیدگاه می‌توان به روایی وسیله اندازه‌گیری اطمینان داشت.

روایی پرسشنامه به روش روایی ظاهری، محتوایی و پایایی با روش آلفای کرونباخ (۸۴ درصد) مورد تایید قرار گرفت. در تحلیل داده‌های بدست آمده از روش‌های آماری متنوعی همچون آزمون اختلاف میانگین زوج، آزمون تحلیل واریانس یک عاملی و برخی روش‌های مربوط به فراوانی داده‌ها در بخش آمار توصیفی استفاده شده است.

۵- متغیرهای تحقیق

نمودار شماره ۱، مدل عملیاتی تحقیق را بیان می‌کند. بر این اساس متغیرهای تحقیق به شرح زیر طبقه بندی می‌شود:

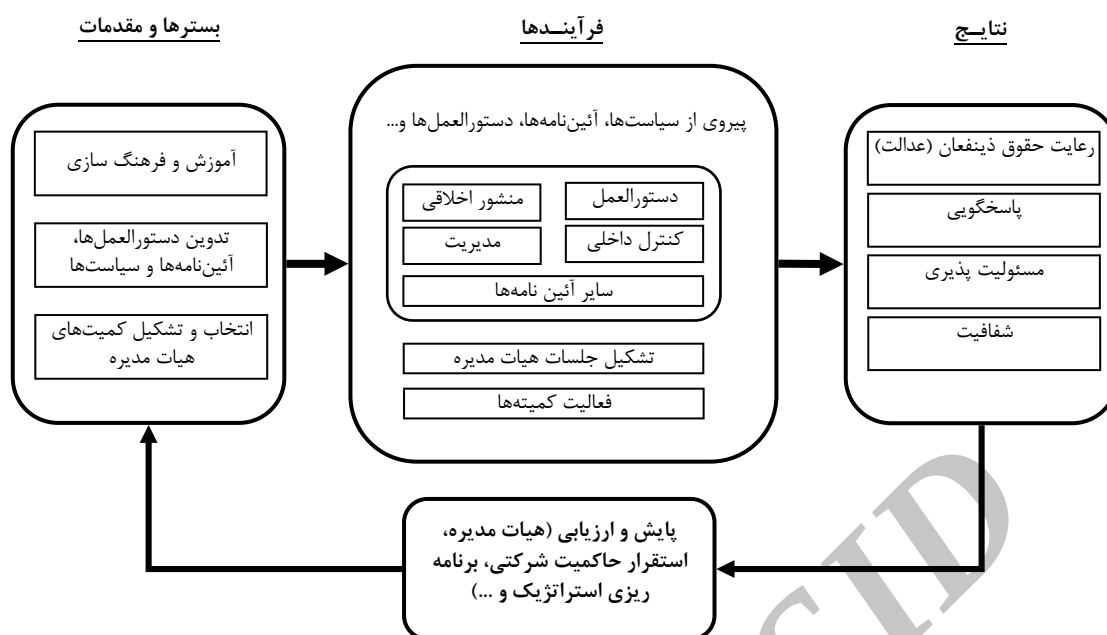
۵-۱- متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل تحقیق شامل دو گروه زیر می‌باشد: الف) متغیرهای مستقل فردی شامل سن، سطح تحصیلات، محل سکونت، سطح طبقه اقتصادی می‌باشد.

ب) متغیرهای مستقل سازمانی شامل شغل، حوزه سازمانی، سطح سازمانی، رسته سازمانی، سابقه کار

۵-۲- متغیرهای وابسته

متغیرهای وابسته تحقیق شامل مقدمات و بسترها، فرایندها، پایش و ارزیابی و نتایج می‌باشد. در این تحقیق، نتایج حاصل از پیش‌بینی وضعیت حاکمیت شرکتی در بانک A در دو بعد توان و جذابیت مورد بررسی قرار گرفت. تعیین و پیش‌بینی مقادیر، در قالب جذابیت بازار بانکی در وضعیت حال با وضعیت آتی، و توان رقابتی بانک در موقعیت موجود با موقعیت مطلوب از طریق توزیع پرسشنامه صورت گرفت. یکپارچه‌سازی متغیرهای کمی و کیفی با نتایج مطالعات کیفی از اهمیت ویژه برخوردار است. با توجه به مفاهیم نظری و مدل مفهومی تحقیق، اجزای مورد توجه تحقیق در یک سیستم عبارتند از: مقدمات و بسترها، ورودی‌ها، فرایندها، خروجی‌ها (نتایج)، بازخورد و نتیجه نهایی (پایش و ارزیابی).



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی حاکمیت شرکتی در بانک A

۶- نتایج تحقیق

تحقیق حاضر ضمن بهره گرفتن از نتایج سایر مطالعات مرتبط مثل جذابیت و تلخیص نتایج حاصل شده، راهکارهای اجرایی را پیشنهاد می‌دهد که در قالب دو محور حوزه استراتژیک و اجزای سیستم دسته‌بندی خواهد شد.

یافته‌های تحقیق حاصل از تحلیل داده‌های اخذ شده در توزیع گسترده پرسشنامه به شرح ذیل می‌باشد. توصیف و تحلیل وضع موجود، وضع مطلوب و شکاف بین آنها (مطلوب منهای موجود) برای شاخص‌های حاکمیت شرکتی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: نتایج توصیف و تحلیل آماری برای مولفه‌های حاکمیت شرکتی

ردیف	بعد	وضعیت	تعداد پاسخ‌ها	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان درصدی		آزمون برابری میانگین وضع موجود و مطلوب		آزمون همبستگی وضع موجود و مطلوب	
						حد پایین	حد بالا	t	df	R	Sig(2-tailed)
۱	پایش و ارزیابی	موجود	۸	۵۵	۳۲.۴۶	۳۲.۵۱	۷۷.۴۹	۳.۶۳	۷	-۰.۰۱۲	Sig(2-tailed)
		مطلوب	۸	۹۲.۵	۱۱.۸۲	۸۴.۳۱	۱۰۰.۶۹				
		شکاف	۸	۳۷.۵	۲۹.۱۴	۱۷.۳۱	۵۷.۶۹				
۲	فرآیندها	موجود	۷	۵۵.۷۱	۳۰.۳۵	۳۳.۲۳	۷۸.۱۹	۳.۹۰	۵	۰.۵۳	Sig(2-tailed)
		مطلوب	۷	۹۲.۶۲	۱۰.۶۶	۸۴.۷۲	۱۰۰.۵۲				
		شکاف	۶	۳۵.۶۵	۲۲.۳۵	۱۷.۷۷	۵۳.۵۳				
۳	مقدمات و بسترها	موجود	۷	۵۳.۷۱	۲۷.۱۸	۳۳.۵۸	۷۳.۸۴	۵.۵۷۲	۷	۰.۲۰۵۴	Sig(2-tailed)
		مطلوب	۷	۹۱.۷۱	۱۰.۷۷	۸۳.۷۳	۹۹.۶۹				
		شکاف	۶	۴۰.۱۷	۱۹.۸۱	۲۴.۴۲	۵۶.۰۲				
۴	نتایج	موجود	۸	۴۹.۵۳	۳۲.۶۹	۲۶.۸۸	۷۲.۱۸	۴.۵۲۶۳	۷	۰.۳۲	Sig(2-tailed)
		مطلوب	۸	۸۹.۶۹	۱۴.۴۸	۷۹.۶۶	۹۹.۷۲				
		شکاف	۸	۴۰.۱۶	۲۵.۹	۲۲.۷۷	۵۷.۵۴				

جدول شماره ۱. مقدار و امتیاز جذابیت و توان رقابتی متغیرها در سطح شاخص کل، در موقعیت‌های گوناگون آرایه گردیده است. نتایج تحقیق بیانگر شکاف معنادار شاخص‌ها با حاکمیت شرکتی می باشد.

در جدول شماره ۲. میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی را بر اساس تهدیدها و فرصت‌های رقابتی بانکی در دو موقعیت حال و آتی، و ضعف‌ها و قوت بانک‌ها را برای دو موقعیت موجود و مطلوب به همراه امتیازهای آن نشان می‌دهد.

میزان امتیاز کل برای جذابیت میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی در هنگام انجام مطالعه حدود ۶۱/۲ درصد حاصل شده است که با توجه به پیش‌بینی بازار در تحقیق به ۷۰/۸ درصد خواهد رسید. همچنین میزان امتیاز کل برای توان رقابتی میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی در هنگام انجام مطالعه حدود ۵۷/۱ درصد حاصل شده است که با توجه به بهبود برنامه در تحقیق به ۷۴/۸ درصد خواهد رسید. بر این اساس می‌توان گفت، رشد ۱۶ درصدی جذابیت و رشد ۳۱ درصدی توان رقابتی در میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی در مورد ذینفعان مرجع برنامه‌ریزی شده است.

نمودار شماره ۲ امتیاز شاخص‌های رعایت اصول حاکمیت شرکتی را بر اساس موقعیت‌های مورد آزمون مقایسه می نماید.

نمایش مقایسه‌ای وضعیت شکاف امتیاز، جذابیت رقابتی بانکی در دو موقعیت حال و آتی و توان رقابتی وضعیت موجود در سطح موجود و مطلوب مبحث شاخص‌های مبحث میزان رعایت حاکمیت شرکتی در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. نظر به اینکه تفاوت اساسی بین امتیاز و امتیاز موزون و شکاف حاصله وجود ندارد، تحلیل‌ها بر اساس امتیاز انجام گرفته شده است.

نتایج تحلیل شکاف امتیاز نشان می‌دهد، متوسط تغییر ۹/۵ درصد در کل مقدار جذابیت بازار و ۱۷/۷ درصد در کل توان رقابتی مربوط به مبحث میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی در مورد ذینفعان مرجع برنامه ریزی شده است. به عبارت دیگر، در مبحث جذابیت بازار افزایشی معادل ۹/۵ درصد پیش‌بینی می‌شود و در مبحث توان رقابتی نیاز به افزایشی معادل ۱۷/۷ درصد در موقعیت موجود داریم تا به اهداف برنامه در پایان دوره مورد نظر برسیم.

جدول شماره ۲: مقدار و امتیاز شاخص‌های سنجش حاکمیت شرکتی در دو بعد جذابیت و توان رقابتی

ردیف	شاخص	تحلیل امتیاز										
		وزن	جاذبیت بازار بانکی					توان رقابتی بانک				
			امتیاز موقعیت حال	تعیین وضعیت حال	امتیاز موقعیت آتی	تعیین وضعیت قابلیت آتی	شکاف امتیاز جذابیت آتی و حال	امتیاز موجود	تعیین وضعیت موجود	امتیاز موقعیت مطلوب	تعیین وضعیت مطلوب	شکاف امتیاز توان مطلوب و موجود
۱	وضعیت حاکمیت شرکتی	۰/۲۵	۶۱/۲۵	فرصت کم	۷۰/۷۶	فرصت کم	۹/۵۱	۵۷/۰۶	قوت کم	۷۴/۷۶	قوت کم	۱۷/۷
۲	پایش و ارزیابی	۰/۰۴	۵۶/۶۷	فرصت کم	۶۸/۰۸	فرصت کم	۱۱/۴۲	۵۳/۷۵	قوت کم	۷۰/۳۷	قوت کم	۱۶/۶
۳	فرایندها	۰/۰۵	۵۷/۵۰	فرصت کم	۶۶/۸۸	فرصت کم	۹/۳۸	۴۹/۵۳	قوت کم	۶۹/۳۴	قوت کم	۱۹/۸۱
۴	مقدمات و بسترها	۰/۰۵	۶۰/۰۰	فرصت کم	۶۶/۷۵	فرصت کم	۶/۷۵	۵۶/۲۵	قوت کم	۷۲/۷۵	قوت کم	۱۶/۵
۵	نتایج	۰/۱۱	۶۵/۰۰	فرصت کم	۷۵/۱۷	فرصت کم	۱۰/۱۷	۶۱/۸۸	قوت کم	۷۹/۵۳	قوت کم	۱۷/۶۵



نمودار ۲: امتیاز مربوط به میزان رعایت اصول حاکمیت شرکتی در مورد ذینفعان مرجع

جدول شماره ۴: خلاصه نتایج توان رقابتی بانک در دو

موقعیت موجود و مطلوب

ردیف	شرح طبقات	موقعیت موجود		موقعیت مطلوب	
		فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	قوت زیاد	۴	۱۱/۱۱	۱۰	۲۷/۷۸
۲	قوت کم	۳۲	۸۸/۸۹	۲۶	۷۲/۲۲
۳	ضعف کم	۰	۰	۰	۰
۴	ضعف زیاد	۰	۰	۰	۰
	جمع	۳۶	۱۰۰	۳۶	۱۰۰

تجمیع و تلفیق نتایج حاصل از تحلیل استراتژیک در وضعیت حال جذابیت و وضعیت موجود توان رقابتی در جدول شماره ۵ نمایش داده شده است.

۷- نتیجه گیری و بحث

این تحقیق به بررسی میزان استقرار حاکمیت شرکتی در بانک A می پردازد و از نتایج آن به عنوان مبنای تدوین برنامه استراتژیک بانک استفاده خواهد شد. به منظور بومی سازی مدل ها، سنجش و انتخاب متغیرها و شاخص با توجه به شرایط بانک و دانش افزایی، لحاظ کردن نظرات کارشناسان، مدیران عالی و میانی و ناظرین بانک ها صورت گرفت. مطابق یافته های تحقیق، جذابیت متغیرها در اکثر موارد از شاخص گرفته تا بعد، موقعیت بانک در وضع حال در شرایط فرصت کم قرار دارند که بر اساس پیش بینی در پایان دوره پنج ساله و در موقعیت قابلیت آتی اکثر چنین مواردی به فرصت کم، تبدیل خواهد شد.

نتایج جدول شماره ۳ نشان می دهد وضعیت بازار بانک در موقعیت حال ۱۱/۱۱ از شاخص ها در وضعیت فرصت زیاد، ۸۸/۹ درصد از شاخص ها در وضعیت فرصت کم، ۰ درصد از شاخص ها در وضعیت تهدید کم و زیاد هستند. پیش بینی شده است که در آینده و موقعیت آتی ۲۷/۸ درصد فرصت زیاد و ۷۲/۲ درصد فرصت کم وجود خواهد داشت.

جدول شماره ۳: خلاصه نتایج وضعیت بازار در دو

موقعیت حال و آتی

ردیف	شرح طبقات	موقعیت حال		موقعیت آتی	
		فراوانی مطلق	فراوانی نسبی	فراوانی مطلق	فراوانی نسبی
۱	فرصت زیاد	۴	۱۱/۱۱	۱۲	۳۳/۳۳
۲	فرصت کم	۱۹	۵۲/۷۸	۲۴	۶۶/۶۷
۳	تهدید کم	۱۳	۳۶/۱۱	۰	۰
۴	تهدید زیاد	۰	۰	۰	۰
	جمع	۳۶	۱۰۰	۳۶	۱۰۰

نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد که در موقعیت موجود ۱۱/۱۱ از شاخص ها در وضعیت قوت زیاد، ۵۲/۸ درصد از شاخص ها در وضعیت قوت کم، ۳۶/۱ درصد از شاخص ها در وضعیت ضعف کم و ۰ درصد از آنها در وضعیت ضعف زیاد هستند. پس از اجرای برنامه بهبود و در وضع مطلوب ۳۳/۳ درصد قوت زیاد، ۶۶/۷ درصد قوت کم قرار دارد.

جدول شماره ۵: ماتریس تاوز، نقاط تهدید، فرصت، ضعف و قوت در سطح ابعاد موقعیت حال و موجود

نوع	امتیاز	ردیف	عنوان متغیر	نوع	امتیاز	ردیف	عنوان متغیر
رقابتی تهدیدهای		۱		بانک ضعفهای	۴۹/۵۳	۱	فرآیندها
فرصت‌های رقابتی		۶۵	نتایج	قوت‌های بانک	۶۱/۸۸	۱	نتایج
	۶۰	۲	مقدمات و بسترها		۵۶/۲۵	۲	مقدمات و بسترها
	۵۷/۵۰	۳	فرآیندها		۵۳/۷۵	۳	پایش و ارزیابی
	۵۶/۶۷	۴	پایش و ارزیابی				

(۷) فعالیت در عرصه بین المللی مستلزم داشتن اصول و قواعد قوی نظام حاکمیت شرکتی و نیز پذیرش قواعد بین المللی نظام حاکمیت شرکتی است.

(۸) در زمان‌های بحران‌های مربوط به ریسک سیستماتیک و مخاطرات زمانی که بانک‌ها تحت تاثیر تحولات سیاسی نیز قرار گرفته‌اند.

(۹) توجه به کارکنان در نظام حاکمیت شرکتی پیشنهاد می‌شود.

(۱۰) در تدوین چارچوب حاکمیت شرکتی باید نقش‌ها و وظایف هر بخش حاکمیت شرکتی مشخص و مکانیزم‌هایی جهت توازن پاسخگویی هر بخش حاکمیت شرکتی به ذینفعان مختلف ایجاد شود.

(۱۱) توجه به عدم تداخل نقش‌ها و وظایف کمیته حاکمیت شرکتی با نقش‌ها و وظایف کمیته حسابرسی در نظر گرفته شود.

(۱۲) هیات مدیره در تعیین اعضای کمیته حاکمیت شرکتی باید اطمینان حاصل کند که هر عضو نقش موثری داشته باشد و هیات مدیره باید گروهی متنوع و با تجارب مختلف تشکیل دهد.

(۱۳) یکی از اجزای اصلی کمیته حاکمیت شرکتی-ها باید حفاظت از منافع ذینفعان نسبت به سهامداران باشد.

(۱۴) بانک به عنوان موسسه خدمات مالی اسلامی باید نسبت به ارائه گزارشات مالی و غیر مالی

موقعیت بانک در ارتباط با توان رقابتی متغیرها در وضع حال در شرایط بینابین قرار دارند که پس از اجرای برنامه بهبود و موقعیت مطلوب اکثر چنین مواردی به قوت کم، تبدیل خواهد شد. با توجه به یافته‌های تحقیق و در جهت نیل به اهداف تحقیق پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

(۱) تعیین تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌ها توسط هیات مدیره و مدیران با هدف مشخص کردن مجموعه از قواعد ناظر

(۲) جهت پاسخگویی، شفافیت و ... تامین و تجهیز سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاران و بهبود امور اجرایی پیشنهاد می‌گردد.

(۳) تضمین و ارتقای سلامت بازار از طریق نهادهای قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری، مورد توجه رویکردهای آتی نظام حاکمیت شرکتی بانک باید قرار گیرد.

(۴) بهبود و توسعه استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و منشور اخلاقی جهت نهادینه سازی رفتارهای خود انضباطی در بانک.

(۵) نظارت بر هیات مدیره و مدیران عالی بانک و افشا فعالیت‌ها و پاسخگویی آنها باید مورد الزام قرار گیرد.

(۶) مدیران ملزم شوند استراتژی‌ها، برنامه‌ها، سیاست‌ها، برنامه ریزی‌های محوری، طرح-های تجاری، اهداف اجرایی و امکانات و تدابیر کنترل و نظارت برای بانک تهیه و افشا شود.

- XCEO. [ISBN 0-976-90191-9ISBN 978-0-97-690191-4](https://doi.org/10.1016/j.jbs.2016.06.001)
- 9) Hughes, A. (with A. Cosh and P. Guest) (2008), 'UK corporate governance and takeover performance', in Gugler, K. and Yurtoglu, B.B. (eds) The Economics of Corporate Governance and Mergers, Edward Elgar, Cheltenham, UK.
 - 10) Policy Brief on Corporate Governance for Islamic Banks and Financial Institutions in the Middle East and North Africa Region, Hawkamah, The Institute for Corporate Governance, (2011).
 - 11) Principles for Enhancing Corporate Governance: Basel Committee on Banking Supervision, (2010).
 - 12) Financial Standards Index, Financial Standards Foundation. Available at: <http://www.estandardsforum.org/browse/ranking>
 - 13) Arun, T. G. & Turner, J. D., Corporate Governance of Banks in Developing Economies: Concepts and Issues, Working Paper.
 - 14) Ayoun, M. A: (2003), The Role of Central Bank in Promoting Corporate Governance, Egyptian Banking Institute.
 - 15) Guiding Principles on Corporate Governance for Institution offering only Islamic Financial Services, by Islamic Financial Services Board (IFSB).
 - 16) Enhancing Corporate Governance for Banking Organization, By Bank for International Settlements.
 - 17) Adams R. and Mehran H., (2003), "Is Corporate Governance Different for Bank Holding Companies?", Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review
 - 18) Anderson D. W., and Melanson S. J. and Maly J., (2007) "The Evolution of Corporate Governance: power redistribution brings boards to life", journal of Corporate Governance, Vol. 15(5), PP. 780-797
 - 19) Arun T.G., Turner J. D., (2004) "Corporate Governance of Banks in Developing Economies: Concepts and Issues"
 - 20) Braendle C., Noll J., (2005) "On the Convergence of National Corporate Governance Systems", Available in SSRN ,
 - 21) Cadbury A., (2000), 'The Corporate Governance Agenda', Journal of Corporate Governance, Vol.8 (1), pp.7-15.
 - 22) El-Gamal M. A., (2005) "Islamic Bank Corporate Governance and Regulation: A Call for Mutualization", Rice University

که مطابق با اصول استانداردهای بین المللی حسابداری و منطبق با قوانین و مقررات شریعت اسلامی باشد، اطمینان پیدا کند.

۱۵) هیات مدیره بانک باید یک کمیته حسابرسی متشکل از حداقل سه عضو تشکیل دهد که توسط اعضای غیر موظف هیات مدیره انتخاب شده و با مسایل مالی و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی و اسناد حسابداری آشنایی دارد.

۱۶) کمیته حسابرسی باید با هر دو گروه کمیته حاکمیت شرکتی و هیات نظارت بر شریعت اسلامی در ارتباط باشد.

فهرست منابع

- ۱) روشندل، محمد، (۱۳۸۶)، راهکارهای بومی سازی حاکمیت شرکتی موثر در نظام بانکداری ایران. گروه مجوزهای بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲) تقی پوریان، یوسف و خلیل پور، مهدی (۱۳۸۸)، حاکمیت شرکتی با رویکرد اسلامی، ماهنامه حسابدار، شماره پیاپی ۲۰۸ و ۲۰۹.
- ۳) رهنمای رودپشتی، فریدون و صالحی، الله کرم (۱۳۸۹)، مکاتب و تئوریهای مالی و حسابداری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
- ۴) روشندل، محمد؛ (۱۳۸۷)، گروه مجوزهای بانکی اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی
- ۵) حساس یگانه، یحیی؛ (۱۳۸۵)، «حاکمیت شرکتی در ایران»، فصلنامه حسابرس، شماره ۳۲
- 6) SiladiBiserka (2006) The role of non-executive directors in corporate governance: an evaluation. Swinburne University of Technology, Australia
- 7) OECD (2009) Corporate Governance and the Financial Crisis: Key findings and main messages. Office for Economic Co-operation and Development
- 8) Crawford, C. J. (2007). Compliance & conviction: the evolution of enlightened corporate governance. Santa Clara, Calif:

- 23) FAN P. S., (2004) "Review of Literature & Empirical Research on Corporate Governance", MAS Staff Paper, the monetary authority of Singapore ,
- 24) Johnston D. J. (2004), "OECD Principles of Corporate Governance", Organisation for Economic CO-Operation and Development.
- 25) Lectures on Corporate Governance , (2005) "Three Models of Corporate Governance " ,EWMI/PFS Program
- 26) Nouy M. D. & et al, (2006), "Enhancing Corporate Governance for Banking Organisations", bank for international settlements
- 27) Parkinson J.E., (1995), "Corporate Power and Responsibility: Issues in the theory of company law", Oxford University Press, Usa, Paperback , ISBN 0198259891

یادداشت‌ها

- ¹- Corporate Governance
- ²- Cadbury
- ³- Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)
- ⁴- Anderson D. W., and Melanson S. J. and Maly J.
- ⁵- Biserka Siladi
- ⁶- Crawford, C. J
- ⁷- Hughes, A
- ⁸- Parkinson J.E
- ⁹- International Federation of Accountants(IFAC)
- ¹⁰- Jill Solomon & Aris Solomon
- ¹¹- Fianna & Grant
- ¹²- Wolfenshon
- ¹³- Accountability
- ¹⁴- Transparency
- ¹⁵- Fairness
- ¹⁶- Responsibility
- ¹⁷- Insider Corporate Governance
- ¹⁸- Outsider Corporate Governance
- ¹⁹- Anglo-American
- ²⁰- Adams R. and Mehran H.
- ²¹- Arun T.G., Turner J. D.
- ²²- Islamic Financial Services Board(IFSB)
- ²³- El-Gamal M. A.
- ²⁴- Bank for International Settlements